

## «اصلاح گرایان» و «تشکل های مستقل کارگری»

در زمانی که جدل های زرگری درون هیئت حاکم در مورد اینکه آیا خاتمی «گورباچف» شده است یا «یلتسین»؛ در دوره ای که کلیه طرفداران «درون مرزی» و «بیرون مرزی» جبهه ی ۲ خرداد و «اصلاح گرایان» در حال فریب مردم ایران بوده و همگان را از «خطر کودتا» از جانب «حزب الله» ترسانده و حمایت از جبهه ۲ خرداد را «واجب» قلمداد می کنند؛ در موقعیتی که کارگران ایران در حال سازمانیابی خود علیه نظام سرمایه داری هستند؛ برخی از «رهبران» سابق و بازنشسته کارگران همگام با سیاست های اصلاح گرایان، در صدد به کجراه کشادن جنبش ضدسرمایه داری کارگران ایران هستند. اقداماتی نظیر تشکیل «حزب کار اسلامی» و اتخاذ موضعی از قبیل اینکه «تابلوی ورود ممنوع» به درون تشکل های مستقل برای نمایندگان سرمایه داران و طرفداران دولت نمی توان قایل شد (رجوع شود به «کار مزد» شماره ۱ مقاله پیمان صنعتکاران) و یا اینکه کارگران در مقام و موقعیت به دست گرفتن قدرت نمی باشند و غیره همه معرف وجود یک گرایش اصلاح گرایانه در درون جنبش کارگری است. برای طبقه کارگر خطر این اقدامات و مواضع، به مراتب خطرناک تر از تهدید جبهه ۲ خرداد و اصلاح گرایان طرفدار خاتمی است. زیرا که ماهیت واقعی سردمداران جبهه ۲ خرداد به مثابه مدافعان سرمایه داران، اگر تاکنون نمایان نشده باشد، به زودی افشا خواهد شد. اما تأثیرات مخرب کسانی که تا دیروز در میان خود کارگران بوده و با نام و نشانی کارگران سخن به میان می آوردند، به مراتب بیشتر و عمیقتر خواهد بود. از اینرو تحلیل مشخص تر از وضعیت کنونی سیاسی و نقش تعیین کننده کارگران پیشرو، حائز اهمیت است.

## اختلاف های درونی هیئت حاکم

طرفداران جبهه ۲ خرداد تأکید مضاعفی بر اختلافهای خود با «انحصار گرایان» به رهبری خامنه ای می گذارند. در این امر تردیدی نیست که در میان باندهای هیئت حاکم اختلاف هایی وجود داشته و دارد. این اختلاف ها از ابتدای به حکومت رسیدن رژیم وجود داشته و تازگی ندارند. اختلاف کماکان بر محور «دو» سیاست و «دو» روش از اعمال «یک» نظام سرمایه داری بوده و هست. یک باند متکی بر روابط ملوک الطوائفی (آخوندی) خواهان اعمال نظام «سرمایه داری اسلامی» بوده و دیگری خواهان حفظ منافع درازمدت سرمایه داری و احیای یک نظام سرمایه داری مدرن (شبه شاهنشاهی) هست. این دو باند، اما، هرگز اختلافی بر سر سرکوب خواست های دمکراتیک و استثمار کارگران، با یکدیگر نداشته و ندارند. سرکوب کارگران، اسلام شهر و دانشجویان دانشگاه ها در تیر ماه سال پیش نشاندهنده «اتحاد» دو باند در مقابل کارگران بوده است.

امروز، حتی اختلاف های لفظی نیز میان باندهای موجود، در حال حل و فصل است. برخلاف نظریات مبلغان «اصلاح طلبی»، خامنه ای نیز با خاتمی در اصلاحات همراه شده است! خامنه ای در سخنرانی اخیر خود ۱۹ تیر ۱۳۷۹، در حضور خاتمی، اعلام کرد که: اصلاحات حقیقی، جزو ذات و هویت انقلاب است، اما دشمنان تلاش می کنند در یک طرح دقیق و همه جانبه آمریکایی... تجربه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را در این کشور تکرار کنند. او در ادامه سخنانش در مورد خاتمی چنین گفت، رئیس جمهور اسلامی ایران، سیدی شریف، مؤمن، دلباخته اسلام و انقلاب، مرید امام و با تمام وجود معتقد به نظام اسلامی است و حتی عده ای از غربی ها که در خواب های خوش خود را جواری دیگری تحلیل می کردند، اکنون می گویند که آقای خاتمی نیز مثل بقیه مسنولان نظام اسلامی، جزو اصول گرایان است، که اتفاقاً در این مورد درست می گویند. ما نیز معتقدیم که خامنه ای «اتفاقاً در این مورد درست می گوید»!

بدیهی است که سفرهای مهم اخیر خاتمی به ایتالیا و آلمان بدون مشورت و توافق صدرصد خامنه ای امکان پذیر نمی بود. رژیم با وجود اختلاف های درونی شدید، همواره در «مجموع» به سمت و سوی احیای یک سرمایه داری مدرن وابسته به غرب گرایش دارد. کسانی که امروز زیر لوای دفاع از آزادی و دموکراسی و «جامعه مدنی» طرفدار جبهه ۲ خرداد هستند. فردا در مقابل ظهور یک نظام سرمایه داری مدرن و با تمام مشخصات آن (عدم وجود دموکراسی، سرکوب، ساواک و استثمار مضاعف کارگران) باید به مردم ایران پاسخگو باشند.

### سیاست امپریالیزم در قبال رژیم

پس از مسافرت اخیر خاتمی به آلمان، آقای «یوشکا فیشر»، وزیر امور خارجه آلمان، طی مصاحبه ای ایراد کرد که: "عدم حمایت از دولت مردمی آقای خاتمی و عدم ارتباط با ایران، امروز یک اشتباه بزرگ و تاریخی است". این سخنان در پی سخنان ماه پیش خاتم آبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، مبنی بر انتقاد بر سیاست پیشین آمریکا در قبال ایران و محکوم کردن کودتای ۲۸ مرداد و نقش شاه، صورت پذیرفت.

انگیزه این سخنان «خوش آیند» دول امپریالیستی نسبت به حکومت خاتمی و گذشته ایران نه از روی دلسوزی برای مردم ایران است و نه تأسف خوردن به فجایع پیشین، بلکه سرازیر کردن سرمایه های غربی به ایران و استفاده از منابع این کشور و نیروی کار ارزان کارگران ایران است.

### آغاز رودرویی کارگران با رژیم

روند بازگشت سرمایه داری مدرن به ایران طبعاً با راه اندازی صنایع و استخدام کارگران مواجه خواهد شد. بازگشت «نظم سرمایه داری» جهان سومی و وابسته به غرب، گرچه در قیاس با وضعیت کنونی تغییراتی حاصل خواهد کرد، اما به خودی

خود الزاماً وضعیت کارگران را بهبود نخواهد داد. زیرا که مسئله کارگران ایران برخلاف نظر اصلاح‌گرایان در درون جنبش کارگری، صرفاً استخدام و مسکن نیست. کارگران ایران اضافه بر داشتن شغل دائمی و مسکن و مواد اولیه معیشتی، می‌باید ساعات کار کمتری داشته باشند تا به امور فرهنگی و سیاسی و تفریحی خود نیز بپردازند.

اما، با بازگشت سرمایه‌داری مدرن به ایران نه تنها از شدت کار کاسته نمی‌شود که کارگران تازه استخدام شده و سابق باید ۲۰ سال نابسامانی اقتصادی و عقب‌افتادگی جامعه سرمایه‌داری را جبران کنند. این امر به مفهوم افزایش ساعات کار و شدت دادن تولید است. به سخن دیگر در دوره آتی ما نه تنها شاهد بهبود وضعیت کارگران نخواهیم بود که سرمایه‌داران به کمک دول امپریالیستی، استثمار مضاعفی بر کارگران ایران تحمیل خواهند کرد.

### تشکل‌های مستقل کارگری

در وضعیتی که کارگران ایران به علت راه افتادن صنایع و اشتغال مرتب‌تر از پیش در کارخانه‌ها، از اعتماد به نفس نوینی برخوردار می‌شوند، طبیعی است که روش فعالیت‌های صنفی و سیاسی آنها نیز متفاوت خواهد شد. اگر در گذشته ما شاهد مبارزات «خودجوش» و طغیان‌های لحظه‌ای بوده‌ایم، در دوره آتی، ناظر سازماندهی و متشکل شدن کارگران حول شعارهای مشخص و مرتبط به منافع درازمدت آنها خواهیم بود. در ماه‌های پیش کارگران علاءالدین و میل ایران و کارگران مناطق جنوب تهران و اسلام‌شهر، شکل نوین مبارزات کارگری را به نمایش گذاشتند. تدارک قبلی و سازماندهی با شعارهای ملموس و هم‌آهنگی فعالیتها «از پیش سازمانیافته» و غیره از مشخصات بارز اشکال نوین مبارزاتی است. یکی از مطالبات محوری کارگران ایران به ویژه پس از انتخاب خاتمی و تبلیغات «اصلاح‌گرایان» مبارزه در راستای تشکل‌های مستقل کارگری بوده است. طرح و

تبلیغ «اتحادیه مستقل کارگران ایران» توسط برخی محافل کارگری بر بستر چنین وضعیتی انجام پذیرفت.

بدیهی است که با آغاز روند عادی سازی روابط با غرب و احیای سرمایه داری مدرن در ایران، کارگران برای ایجاد چنین تشکل های مستقلی بیش از پیش تلاش خواهند کرد. زیرا که تشکیل چنین نهادهایی، می تواند زمینه های مساعدی برای حفظ منافع صنفی و سیاسی آنها فراهم آورد.

کارگران ایران برای آماده سازی خود در دفاع از منافعشان باید تضمین کنند که این نهادها واقعاً «مستقل» از نمایندگان دولت و سرمایه داران و حزب های خرده بورژوا به اصطلاح «چپ» باشند. اگر قرار باشد که «تابلوی ورود ممنوع» برای جاسوسان رژیم و نمایندگان سرمایه داری قایل نشد، چه لزومی به ایجاد چنین تشکلی وجود دارد؟ کارگران می خواهند به مسایل و نحوه ی سازماندهی خود علیه سرمایه داری و دولتش اقدام کنند. اگر قرار باشد کسانی که خواهان افزایش ساعات کار و استثمار کارگران باشند، در درون تشکل مستقل کارگری حضور داشته و امور اجرایی را نیز در دست بگیرند، این تشکل تنها می تواند به آلت دست رژیم تبدیل گردد.

«رهبران» کارگرانی که امروز تبلیغ حضور نمایندگان دولت و سرمایه داران در درون این تشکل های مستقل کارگری را تبلیغ می کنند، در آینده به آرمان های کل طبقه کارگر خیانت خواهند کرد.

کارگران پیشرو و کارگران جوان ایران نه تنها باید خود را در مقابل رژیم سرمایه داری سازماندهی کنند، بلکه پیگیرانه علیه انحراف های اصلاح طلبانه در درون جنبش کارگری نیز بایستند.

## محافل کارگری و رهبری انقلاب آتی

در دهه پیش در غیاب حضور فعال حزب های سیاسی که خود را قیم طبقه کارگر معرفی کرده و عمدتاً در خارج از کشور به کذب «حزب» ها و «سازمان» های

«کارگری» و «کمونیستی» تشکیل داده و فاقد پایه کارگری تعیین کننده برای تدارک انقلاب کارگری می باشند، محافل کارگری کمونیستی شکل گرفته که در مبارزات روزمره کارگران شرکت فعال داشته اند. بدیهی است که شکل گیری و گسترش اینگونه محافل در دوره آتی، در روند بازگشت سرمایه داری مدرن در ایران، به یکی از مسایل کلیدی جنبش کارگری مبدل می گردد.

دخالت در راستای پیوند با این محافل و ساختن آنها، همراه با مداخله در جنبش توده ای کارگری بر محور ایجاد تشکل های مستقل کارگری، به یکی از مهم ترین وظایف کمونیست ها تبدیل گشته است. اما، لازمه این پیوند، اعتقاد داشتن به پتانسیل انقلابی طبقه کارگر و گسست از تمامی سازمان های قیم مآب است.

پیوند افراد و نیروهای کمونیستی با این محافل پیش شرط ایجاد حزب کارگری سوسیالیستی است. تنها از طریق ارتباط گیری با این محافل است که «اتحاد» در درون جنبش کارگری برای ارائه یک بدیل انقلابی میسر می گردد. مبارزه برای ساختن و گسترش چنین تشکلی نیز جدا از مبارزه با انحراف های رفرمیستی در درون جنبش کارگری قابل تحقق نمی باشد.

۱۰ مرداد ۱۳۷۹